

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

لَعْنَ اللّٰهِ قاتِلِيكِ يا فاطِمَه الزَّهْرَهَا (سلامُ اللّٰهِ عَلَيْكِ)

فاطِمَه عَلَيْهَا السَّلَامُ کیست؟

رسول اکرم ﷺ فرمودند: «ای علی! به درستی که خداوند تبارک و تعالیٰ فاطمہ علیها السلام را همسر تو قرار داد و زمین را مهربه او نمود، پس هر کس روی زمین راه رود در حالیکه با فاطمہ علیها السلام دشمنی داشته باشد، راه رفتن او حرام است».¹

رسول اکرم ﷺ فرمودند: «دخترم فاطمہ حوریه ای است انسانی».²

عصمت حضرت فاطمہ زهرا علیها السلام

۱. نزول آیه تطهیر در شأن آن حضرت و پدر گرامیشان و شوهر و دوفرزندش علیها السلام به نقل از جمیع علمای شیعه و سنی ³:

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللّٰهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرُكُمْ تَطْهِيرًا﴾⁴

۲. پیامبر اکرم ﷺ بارها می فرمودند: «فاطمہ بضعة مني يغضبني من اغضبها و يسرني من سرها و ان الله يغضب لغضبها و يرضي لرضها؛ فاطمہ علیها السلام پاره تن من است، هرکس او را ناراحت و غضبناک کند، مرا غضبناک کرده و هرکس او را خوشحال کند، مرا خوشحال کرده است. بدرستی که خداوند بخاطر ناراحتی او، غضبناک و بخاطر خوشحالی او، خوشحال می گردد».^۵

از این دو مورد کاملا مشهود است که فردی که دارای چنین صفاتی می باشد، باید بی شک دارای مقام عصمت باشد، زیرا که درغیر اینصورت خشنودی و نارضایتی خداوند با خشنودی و نارضایتی او یکسان نخواهد بود.

¹ مقتل خوارزمي: ج ۱ ص ۶۶ - فرائد المسطين: ج ۱ ص ۹۵

² تاريخ بغداد: ج ۱۲ ص ۳۳۱ - بيانيع المودة: ص ۱۹۴ - ذخائر العقبي: ص ۱۵۳

³ برخی از منابع اهل تسنن که شأن نزول این آیه را فقط مختص پنج تن آل عبا می دانند عبارتند از: مستدرک حاکم: ج ۳ ص ۱۴۷ و ۱۴۸ - صحیح مسلم: ج ۷ ص ۱۳۰ - مشکل الآثار: ج ۱ ص ۳۳۵ - تفسیر ابن کثیر: ج ۳ ص ۴۸۵ - مجمع الروایی: ج ۹ ص ۱۶۷ - در المنشور سیوطی: ج ۵ ص ۱۹۹ - مسند احمد حنبل: ج ۴ ص ۱۷۰ - سنن یهقی: ج ۱۴۹ - تفسیر طبری: ج ۲۲ ص ۲۵ - تاریخ ابن عساکر: ج ۵ ص ۱ (به نقل از کتاب حدیث کسانه فی مدرسة الخلفاء)

⁴ احزاب: ۳۳

⁵ علامه امینی للہ در کتاب «فاطمۃ الزہرہ» از ص ۲۸۶ تا ۲۹۴ نام ۵۰ تن از علمای اهل سنت را ذکر نموده که این حدیث را با کمی اختلاف در کتب خود ذکر نموده اند، از جمله: مسند احمد بن حنبل: ج ۴ ص ۲۲۳ - صحیح بخاری: ج ۵ ص ۹۲ - صحیح مسند: ج ۴ ص ۱۹۰۲ - سنن ابی داود: ج ۲ ص ۲۲۶ - سنن ترمذی: ج ۵ ص ۱۵۴ - سنن الکبیری: ج ۷ ص ۳۰۷ - شرح السنۃ: ج ۷ ص ۲۲۲ - مقتل خوارزمي: ج ۱ ص ۵۳ - فرائد المسطين: ج ۲ ص ۴۵ و ...

هجوم به خانه وحی و آتش زدن در

۱. «عمر به سوی خانه فاطمه رفت و گفت: ای دختر پیامبر، به خدا قسم نزد ما هیچ کس دوست داشتنی تر از پدرت نیست و بعد از پدرت هیچ کس نزد ما دوست داشتنی تر از تو نیست . به خدا قسم این محبت مانع نمی شود که به خاطر این افرادی که نزد خود جمع کرده ای دستور بدhem خانه را بر سرتان آتش بزنند!»^۱.
۲. «ابوبکر ، عمر را به دنبال آنها که در خانه علی جمع شده بودند فرستاد ، آنها از بیرون آمدن خودداری نمودند. در این هنگام عمر دستور داد که: هیزم بیاورید. پس خطاب به اهل خانه گفت: قسم به آنکس که جان عمر در دست اوست باید خارج شوید و الا خانه را با اهلش به آتش می کشم. شخصی به عمر گفت : آیا می دانی که فاطمه در این خانه است ؟ عمر گفت : اگر چه فاطمه در خانه باشد».^۲
۳. «ابوبکر برای بیعت گرفتن از علی^{علی‌الله} بدنیال وی فرستاد. پس علی^{علی‌الله} بیعت نکرد . در این هنگام عمر با شعله ای از آتش روانه خانه علی^{علی‌الله} شد. فاطمه^{علی‌الله} در پشت در با او مواجه شد و گفت : ای پسر خطاب آیا می خواهی خانه ام را آتش بزنی ؟ عمر گفت : آری و این کار من از دین پدر تو محکم تر است ».^۳
۴. «زمانی که طلحه و زبیر و عده ای از مهاجرین در خانه علی جمع شده بودند ، عمر بن خطاب به آنجا رفت و گفت : به خدا قسم باید برای بیعت خارج شوید و الا خانه را بر سر شما به آتش می کشم».^۴
۵. «امیر مومنان با عده ای از پیروان و شیعیانش در منزلش جمع شده بودند. در این هنگام عده ای به خانه اش حمله ور شده و به آنجا هجوم آوردند و در خانه اش را به آتش کشیدند و اورا به زور از خانه خارج کردند. آنها سیده زنان را در پشت در فشار سختی دادند بطوری که محسن را سقط کرد».^۵ (از اینجا مشخص می گردد که فشار دادن حضرت زهرا در پشت در و سقط شدن حضرت محسن، در حقیقت صورت گرفته زیرا بوضوح به آن اشاره شده)
۶. «هنگامی که ابوبکر از مردم با تهدید و شمشیر و زور بیعت گرفت عمر و قنفذ و جماعتی را به سوی خانه علی و فاطمه فرستاد و عمر هیزم فراهم کرد و در خانه را آتش زد»^۶ (از این قسم مشخص می گردد که آتش زدن در خانه واقعاً رخ داده است چون می گوید: در خانه را آتش زد!)
۷. «ابوبکر به عمر دستور داد اگر از خروج از خانه خودداری کردندا با آنها به جنگ پرداز. پس عمر با شعله ای از آتش روانه خانه فاطمه شد تا آنجا را به آتش بکشاند. در این هنگام عمر با فاطمه برخورد کرد و فاطمه به وی گفت : ای پسر خطاب! آیا برای به آتش کشیدن خانه ما آمدی ؟ عمر گفت: آری مگر آنکه با ابوبکر بیعت کنید همانطور که امت چنین کردند».^۷
۸. «از جمله عقاید ابراهیم بن سیار بن هانی (معروف به نظام) آن بود که می گفت : عمر به خانه فاطمه حمله ور شده در حالی که فریاد می کشید: خانه را با اهلش به آتش بکشید و این درحالی بود که کسی جز علی و فاطمه و حسن و حسین در خانه نبود».^۸
۹. «عمر به طرف آنها (که در خانه علی اجتماع کرده بودند) حرکت کرد و خطاب به آنها گفت : قسم به آنکس که جانم در دست اوست یا برای بیعت کردن خارج شوید و یا آنکه خانه را بر سر شما به آتش می کشیم».^۹

^۱ ابن ابی شیبه (متوفی ۲۳۵ مق): **المصنف**: ج ۷ ص ۴۳۲ روایت شماره ۳۷۰۴۵ چاپ بیروت

^۲ ابن قتیبه (متوفی ۲۷۶ مق): **الامامة و السياسة**: ج ۱ ص ۱۲ چاپ مصر

^۳ بالذری (متوفی ۲۷۹ مق): **أنساب الأشراف**: ج ۱ ص ۵۸۶ چاپ مصر

^۴ طبری (متوفی ۳۱۰ مق): **تاریخ الامم و الملوك**: ج ۲ ص ۴۴۳ چاپ بیروت

^۵ مسعودی (متوفی ۳۴۶ مق): **اثبات الوصیة**: ص ۱۴۲ چاپ بیروت

^۶ مقاتل بن عطیه حنفی (متوفی ۵۰۵ مق): **الامامة و الخلافة**: ص ۱۶۰ چاپ بیروت

^۷ ابن عبد ربه (متوفی ۳۲۸ مق): **عقد الغرید**: ج ۳ ص ۶۴ چاپ مصر

^۸ شهرستانی (متوفی ۵۴۸ مق): **الملل والنحل**: ج ۱ ص ۵۷ چاپ بیروت

^۹ ابن ابی الحدید معتلی (متوفی ۶۵۵ مق): **شرح نهج البلاغه**: ج ۲ ص ۵۶ چاپ بیروت - از قول جوهري

۱۰. و باز از ابویکر جوهري مى نويسد: « عمر برای آتش زدن خانه به ايشان حمله ور شد که زبیر با شمشير از خانه بیرون آمد ». ^۱

۱۱. همچنین مى گويد: « ابویکر گفت: اى عمر و اى خالد بن ولید، برخizيد و به مكان آنها رفته و آنها را به نزد من بياوريد . پس آن دو به طرف خانه علی ^{علیه السلام} روانه شدند . عمر داخل شد و خالد بن ولید در آستانه در ایستاد ». ^۲

۱۲. ابویکر به عمر بن خطاب دستور داد تا علی و کسانی که با او هستند را از خانه فاطمه خارج کند . ابویکر به آنها دستور داد که اگر از بیرون آمدن خودداری کردن با آنها جنگ کن . دراين هنگام عمر با قطعه اى آتش به سوي خانه فاطمه روانه شد تا آنجا را به آتش بکشاند . پس فاطمه گفت: کجا اى پسر خطاب؟ آيا آمده اى خانه ما را به آتش بکشاني؟ عمر گفت: آري مگر آنکه داخل شويد (در بيعت) همانطور که امت داخل شده اند ». ^۳

۱۳. « عمر روانه منزل فاطمه شد و فرياد کشيد. آنان از بیرون آمدن خودداري کردند. در اين هنگام عمر هيزم طلبيد و گفت: قسم به آنکس که جان عمر در دست اوست يا از خانه خارج شويد و يا اينکه خانه را با اهلهش به آتش مى کشم. شخصی به عمر گفت: اى اباحفص در اين خانه فاطمه ^{علیه السلام} است!!!؟؟ عمر گفت: اگر چه فاطمه باشد ». ^۴

۱۴. « آري چنین گفته شده که عمر بن خطاب در روز سقيفه در حالی که در ميان اصحاب و يارانش به طرف خانه فاطمه ^{علیه السلام} حرکت ميکرد به اين نتيجه رسيد که آتش بهترین وسیله برای حفظ وحدت و آرامش ميان مسلمانان است !! ». ^۵

۱۵. محمد حافظ ابراهيم در قصيدة عمريه مى گويد:

وَقَوْلَةً لِعَلِيٍّ قَالَهَا عُمَرْ
حَرَقْتُ دَارَكَ لَا أَقِي عَلَيْكَ هَا
أَكْرِمٌ بِسَاعِهَا أَعْظَمٌ بِمُلْقِهَا
لَنْ لَمْ ثَبَّاعٌ وَبِنْتُ الْمُصْطَنِي فِيهَا^۶

چه نيكو سخني عمر به علی گفت. چه بزرگوار است شونده و چه با عظمت است گوينده آن!
در صورتی که بيعت نکنی، خانه ات را به آتش مى کشم و نمي گذارم در آن بمانی، اگر چه دختر محمد در آن خانه باشد .

این قضيه را بسياري از علماء سنی ياد آور شدن که به چند نمونه ديگه اشاره مى کنیم:

- متقي هندی : كنز العمال ج ۵ ص ۶۵۱

- نويرى : نهاية الارب في فنون الادب ج ۱۹ ص ۴۰

- صفدي : الواقي بالواقيات ج ۱۷ ص ۳۱۱

- ابن عبدالبر : استيعاب ج ۳ ص ۹۷۵

- يعقوبي : تاريخ يعقوبي ج ۲ ص ۱۲۳

^۱ همان

^۲ ابن ابي الحميد معذلي (متوفى ۶۵۵ھ.ق): شرح نهج البلاغه: ج ۲ ص ۵۶ چاپ بيروت

^۳ اسماعيل عماد الدين (متوفى ۷۳۲ھ.ق): المختصر في اخبار البشر: ج ۲ ص ۱۵۶ چاپ مصر

^۴ عمر رضا کحاله (از علمای معاصر سنی): اعلام النساء: در حرف فاء ذیل نام فاطمه بنت محمد، چاپ بيروت

^۵ عبد الفتاح عبد المقصود (از علمای معاصر اهل تسنن): الإمام علي بن ابي طالب: ج ۱ ص ۱۹۰ چاپ بيروت

^۶ محمد حافظ ابراهيم (متوفى ۱۳۵۱ھ.ق) که از شعراي معاصر و مشهور اهل تسنن است در ديوان خود ج ۱ ص ۸۲ چاپ بيروت

شهادت حضرت محسن بن علی علیہ السلام

۱. «آنان در هجوم به خانه ، فاطمه علیہ السلام ، سیده زنان را در پشت در چنان فشار دادند که محسن را سقط کرد »^۱.
۲. « نظام گفته است : همانا عمر در روز بیعت چنان ضربه ای به فاطمه علیہ السلام زد که جنین خود را سقط کرد »^۲.
۳. « إنَّ عُمَرَ رَقَسَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ حَتَّى أَسْقَطَتِ بِمُحْسِنٍ ؛ بِدُونِ شَكٍّ عُمَرَ چَنَانَ لَكَدِيَّ بِهِ سَيِّنهِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ زَدَ كَهْ مَحْسِنَ ازَّا وَسَقَطَ شَدَّ »^۳.
« رسول خدا عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند : بدرستی می بینم که بعد از من غم و غصه در خانه دخترم فاطمه علیہ السلام وارد می شود ، حرمت او شکسته و حقش غصب می شود و از خود منع و پهلویش شکسته می گردد و ندا می دهد : یا محمدا ! پس جواب داده نمی شود »^۴.
۴. ابن ابی الحدید معترض می گوید^۵ :
« عده ای از مشرکان مکه از جمله هبار این اسود به قصد اذیت کردن زینب ، ربیبه ^۶ پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم که از مکه به سمت مدینه حرکت کرده بود ، ناقه او را تعقیب کردند. اول کس از مشرکان که به ناقه زینب رسید هبار بن اسود بود که به محض رسیدن ، نیزه ای به طرف هودج زینب پرتاب کرد . زینب که حامله بود از این حمله ترسید و زمانی که به مدینه رسید بچه اش را سقط کرد. از این رو پیامبر اکرم صلوات الله علیه و آله و سلم دستور دادند که هر کجا که هبار بن اسود را دیدند به قتل برسانند ».
ابن ابی الحدید بعد از بازگو کردن این ماجرا می گوید:
« این خبر را برای استادم ((ابی جعفر نقیب)) خواندم و نقیب گفت: وقتی رسول خدا عَلَيْهِ السَّلَامُ به خاطر ترساندن زینب و سقط شدن فرزند او خون هبار بن اسود را مباح کرد روشن است که اگر در زمان فاطمه علیہ السلام زنده بود ، بدون شک خون کسانیکه فاطمه علیہ السلام را ترسانده تا فرزندش را سقط کرد مباح می کرد ».
ابن ابی الحدید می گوید:
« به نقیب گفتم : آیا می توانم این خبر را - که عده ای فاطمه علیہ السلام را ترساندند تا اینکه فرزندش محسن را سقط کرد - از شما نقل کنم ؟ نقیب گفت : نه از من نقل نکن و بطلان خبر را نیز از من نقل نکن ، چرا که من در رابطه با این خبر نظر و عقیده ای نمی دهم!!».

۱ مسعودی؛ اثبات الوصیة : ص ۱۴۲

۲ شهرستانی؛ الملل و التحل : ج ۱ ص ۵۷ چاپ بيروت - صدقی؛ الوافي بالواقيات : ج ۶ ص ۱۷ - سفرائینی تمییزی؛ الفرق بين الفرق : ص ۱۰۷

۳ ذهی؛ میزان الاعتدال : ج ۱ ص ۱۳۹ رقم ۵۵۲

۴ حموی جوینی شافعی؛ فرائد السمعطین : ج ۲ ص ۳۵ با استناد خود از ابن عباس روایت می کند.

۵ ابن ابی الحدید؛ شرح نهج البلاغه : ج ۱۴ ص ۹۲ چاپ بيروت

۶ «زینب» و «رقیه» دختران «هاله» خواهر حضرت خدیجه علیہ السلام بودند که بعد از وفات مادرشان، پیش حضرت خدیجه علیہ السلام زندگی می کردند.

اعتراف ابوبکر به اشتباه خود

۱. «ابوبکر گفت: همانا بر هیچ از دنیا تاسف نمی خورم مگر بر سه کار که انجام دادم و ای کاش انجام نمی دادم: ای کاش !
به خانه فاطمه علیہ السلام بی احترامی نکرده بودم اگرچه علیه من اعلام جنگ می نمودند »^۱
۲. «ابوبکر گفت: باکی بر من نیست ، مگر بر سه چیز که انجام دادم و ای کاش انجام نداده بودم: ای کاش خانه فاطمه علیہ السلام را
مورد تفتیش قرار نداده بودم »^۲.
۳. «ابوبکر گفت: ای کاش به خانه فاطمه علیہ السلام حمله ور نشده بودم و آنجا را رها می کردم اگرچه علیه من پیمان جنگ می بستند »^۳.
۴. «ابوبکر گفت: ای کاش به خانه فاطمه علیہ السلام حمله ور نشده بودم و آنجا را به حال خود وا می گذاشتمن اگرچه در آنجا علیه من پیمان
جنگ بسته می شد »^۴.
۵. «ابوبکر گفت: ای کاش به خانه فاطمه علیہ السلام حمله ور نشده بودم و آنجا را به حال خود وا می گذاشتمن اگرچه علیه من پیمان جنگ می
بستند»^۵.

همچنین:

۱. دھلوی هندی؛ ازالۃ الخلفا : ج ۲ ص ۲۹
۲. ذہبی؛ میزان الاعتدال : ج ۲ ص ۲۱۵
۳. ابن حجر عسقلانی؛ لسان المیزان : ج ۴ ص ۲۱۹
۴. ابن قتیبه دینوری؛ الامامة و السياسة : ج ۱ ص ۱۸

۱ طبری؛ تاریخ الامم و الملوك : ج ۲ ص ۶۱۹

۲ مسعودی؛ مروج الذهب : ج ۲ ص ۱۹۴

۳ طبرانی؛ المعجم الكبير : ج ۱ ص ۶۲

۴ ابن ابی الحدید؛ شرح نهج البلاغه : ج ۲ ص ۴۶

۵ مقتی هندی؛ کنز العمال : ج ۵ ص ۶۳۱

صحبت نکردن حضرت زهرا علیہ السلام با ابوبکر و عمر تا شهادت آن حضرت علیہ السلام

۱. با نقل سلسله سندی از عایشه می گوید :

« فوجدت فاطمه علی ابی بکر فی ذلک فهجرته فلم تکلمه حتی توفیت و عاشت بعد النبي سنه اشهر ، فلما توفیت دفنها زوجها علی لیلا و لم یؤذن بها ابوبکر »^۱

حضرت زهرا، ابوبکر را بخاطر این ماجرا ترك و با او صحبت نکرد تا وفات یافت و بعد از پیامبر اکرم صلوات الله علیه و سلام شش ماه زندگی کرد و وقتی وفات نمود همسرش علی او را شبانه دفن کرد و به ابوبکر اجازه نداد تا در تشیع و تدفین او شرکت کند .

۲. « فغضبت فاطمه علی ابی بکر و هجرته فلم تکلمه حتی ماتت فدفنها علی لیلا »^۲

حضرت فاطمه علیہ السلام بر ابوبکر غصب کرد و خشمناک شد و از او اعراض نمود و با او صحبت نکرد تا اینکه وفات یافت . پس علی شبانه او را دفن کرد .

۳. « هنگامی که فاطمه علیہ السلام وفات یافت شوهرش علی علیہ السلام شبانه بر او نماز خواند و او را دفن نمود و به ابوبکر خبر نداد که بر جنازه اوش حاضر شود و بر او نماز بخواند »^۳ .

۴. معمر از زهری و او از عایشه در مورد آنچه بین فاطمه علیہ السلام و ابوبکر درباره میراث پیامبر صلوات الله علیه و سلام گذشت روایت می کند که : حضرت زهرا علیہ السلام از ابوبکر اعراض کرد و با او صحبت نکرد تا اینکه وفات نمود و بعد از پیامبر اکرم صلوات الله علیه و سلام شش ماه زندگی کرد و وقتی وفات نمود، او را همسرش دفن کرد و به ابوبکر اجازه نداد که بر جنازه او حاضر شود و نماز بخواند .

۵. « ان علیا دفن فاطمه لیلا »^۴؛ همانا علی علیہ السلام فاطمه علیہ السلام را شبانه دفن کرد .

۶. علی علیہ السلام و اسماء بنت عمیس و علی و دفنها لیلا »^۵؛ علی علیہ السلام و اسماء بنت عمیس ، فاطمه علیہ السلام را غسل دادند و شبانه دفنش کردند .

۷. علی علیہ السلام و اسماء بنت عمیس ، فاطمه علیہ السلام را غسل دادند چرا که خود او اینچنین وصیت نموده بود و ابوبکر و عمر از فوتش خبر نداشتند و علی علیہ السلام فاطمه علیہ السلام را در شب دفن نمود^۶ .

۸. « و غسلها زوجها علی و صلی علیها و دفنها لیلا »^۷؛ فاطمه علیہ السلام را همسرش علی علیہ السلام غسل داد و بر او نماز خواند و شبانه دفنش کرد .

۹. « صحیح در نزد من این است که حضرت زهرا علیہ السلام در حالی که از ابوبکر و عمر خشمگین بود وفات نمود و بدرستیکه او وصیت کرده بود که آن دو بر او نماز نخوانند »^۸ .

۱ محمد بن اسماعیل بخاری در صحیح بخاری ج ۵ ص ۱۷۷ چاپ بیروت

۲ بیهقی در کتاب سنن الکبری ج ۶ ص ۳۰۰ چاپ بیروت

۳ مسلم بن حجاج نیشابوری در صحیح مسلم ج ۳ ص ۱۳۸۰ چاپ مصر

۴ ابن ائیر در کتاب الکامل فی التاریخ ج ۲ ص ۱۲۶

۵ محمد بن ابی شیبہ در المصنف ج ۴ ص ۱۴۱

۶ عابی فلاح الجنلی در کتاب شذرات الذهب ج ۱ ص ۱۵ چاپ قاهره

۷ بلاذری در کتاب انساب الاشراف ج ۱ ص ۴۰۵ چاپ مصر

۸ جلال الدین عبدالرحمن سیوطی در کتاب الغور الباسمة ص ۱۵ چاپ بمیئی

۹ ابن ابی الحدید معتزی در کتاب شرح نهج البلاغه ج ۶ ص ۵۰

همچنین می توانید به منابع زیر نیز مراجعه نمایید که همین مطالب را با الفاظ دیگر نقل نموده اند ولی بدليل اختصار متن آنها آورده نشده است:

١٠. صحيح بخاری ج ٥ ص ٩ و ج ٧ ص ٨٧
١١. تاريخ يعقوبی ج ٢ ص ١١٥
١٢. اكمال الرجال ص ٧٥٣
١٣. سنن الکبری ج ٤ ص ٢٩
١٤. مجمع الزوائد ص ٢١١
١٥. طبقات الکبری ج ٢ ص ١٢٨
١٦. تهذیب الاسماء ج ٢ ص ٣٥٣
١٧. حلیة الاولیاء ج ٢ ص ٤٢

۱. حضرت زهرا عليها السلام خطاب به ابوبکر و عمر فرمودند: «انی اشهد الله و ملائکته انکما اسخطانی و ما ارضیتمانی لإن لقيت النبي لأشكونکما »^۱; خداوند و ملائکه اش را شاهد می گیرم که شما دو نفر مرا به غصب آوردید و رضایت مرا فراهم ننمودید اگر پیغمبر را ملاقات کنم حتما از شما شکایت خواهم کرد.

۲. همچنین در همان صفحه حضرت زهرا عليها السلام خطاب به ابوبکر فرمودند: «والله لأدعون عليك في كل صلاة أصليهها »^۲; به خدا سوگند در هر نمازی که بخوانم، تو را نفرین می کنم.

همچنین است خطبه حضرت زهرا عليها السلام که در مسجد ایراد فرمودند. این خطبه در قدیمی ترین نسخه کتاب ((بلاغات النساء)) که مشتمل بر خطبه های بلیغ زنان عرب هستش وجود دارد (بلاغات النساء ص ۲۳). همچنین این خطبه در کتاب شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید معتلزی ج ۱۶ ص ۱۱ نیز موجود است. در ضمن، این خطبه در کتابهایی مثل المناقب احمد بن موسی و کتاب السقیفه ابوبکر احمد بن عبدالعزیز جوهری به سندهای مختلف از جمله از عایشه نقل شده است.

بعنوان حرف آخر باید گفت که اولین و بزرگترین نظریه پرداز وهابیت – ابن قتیبه – که علمای اهل سنت به او لعنت فرستادند، قضیه هجوم به خونه وحی را قبول کرده است اما در آخر خواسته آنرا توجیه نماید و لذا با دلیلی که حتی یک فرد عقب مانده نیز به آن دلیل استناد نمی کند در سدد این برآمده که دامن خلفا به همراه اطرافیانشان را از این لکه ننگین پاک نماید و لذا گفته: «اینها به خانه حضرت فاطمه زهرا عليها السلام هجوم بردن و وارد خانه ایشان شدند. می خواستند ببینند که آیا در خانه حضرت فاطمه زهرا عليها السلام اموالی از بیت المال هست که ذخیره کرده باشند یا دزدی کرده باشند تا آنها را مصادره کنند و میان مردم توزیع کنند!!!!!!»^۳.

۱ ابن قتیبه در کتاب الاماۃ و السياسة ص ۱۴ و محمد بن یوسف گنجی شافعی در کتاب کفاية الطالب باب : ۹۹ همان.

۲۳ منهاج السنة ج ۴ ص ۲۲۱

نتیجه گیری:

از کلیه انسان های منصف می خواهیم یک جمع بندی بین مسائل مطرح شده قبل و مسائلی که الان می خواهیم مطرح نماییم انجام بدهند و
قضاؤت را به شما و وجدانهای بیدار و آگذار می نماییم:

۱. «فاطمة بضعة مني فمن اغضبها اغضبني»^۱

فاطمه علیها السلام پاره تن من است هر کس او را خشمگین کند مرا خشمگین کرده است .

۲. «فاطمة بضعة مني يؤذيني ما يؤذيها و يغضبني ما يغضبها»^۲

از طرفی می دانیم که :

۱. إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ لَعْنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا (احزاب(۳۳):۵۷)

۲. وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (توبه(۹):۶۱)

۳. وَمَنْ يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَصَبًا فَقَدْ هَوَى (طه(۲۰):۸۱)

۴. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِيبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ (متحنه(۶۰):۱۳)

قضاؤت با شما ...

يا رب الزهرا بحق زهرا إشف صدر الزهرا بظهور الحجة

۱ صحیح بخاری ج ۴ ص ۵۷۹ ; صحیح مسلم ج ۱۶ ص ۳ ; سنن الکبری، بیهقی ج ۱۰ ص ۲۰۱ ; صواعق المحرقة، ابن حجر ص ۱۱۲ ; بنایع المودة، قندوزی ص ۱۷۱ ; مشکاة المصایب، خطیب تبریزی ص ۵۶ و ...

۲ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۹ ص ۱۹۳